

خبر

وزارت اطلاعات عاملان اصرار بر پیشنهاد فسادخیز را شناسایی کند

● رئیس دیده‌بان شفافیت و عدالت در نامه‌ای به رئیس‌جمهور با اشاره به حیرت‌آوربودن یک پیشنهاد فسادخیز در هیئت دولت، تاکید کرد: لازم است وزارت اطلاعات مأموریت پیدا کند تا عوامل آشکار و پنهان اصرار بر قانونی‌کردن این فساد شناسایی و معرفی بشوند. در متن این نامه آمده است: «قانون برکزاری مناقصات در سال ۱۳۸۳ تصویب شد و آیین‌نامه اجرایی آن در ۱۳۸۵/۷/۵ به تصویب هیئت وزیران رسید. در تبصره ۲ ماده ۱۶ این‌آیین‌نامه آمده است که تعاونی‌های کارکنان و صندوق‌های بازنشستگی هیچ دستگاهی نمی‌تواند در مناقصات آن دستگانه شرکت کنند.در بهمن ۱۳۹۵ سازمان برنامه‌وبودجه تلاش کرد این تبصره حذف شود؛ ولی در مهر امسال با تصمیم دولت محترم از دستور خارج شد. متأسفانه سازمان برنامه و بودجه پیشنهاد حذف آن تبصره را دوباره به هیئت دولت تقدیم کرده است تا دستگاهای دولتی بتوانند در مناقصات آن دستگانه خود را با شرکت تعاونی کارکنان یا صندوق‌های بازنشستگی مربوط به خودشان منعقد کنند.این پیشنهاد فسادخیز حیرت‌آور که مغایر با قانون منع مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی مصوب ۱۳۳۸ است، با نادبیر و راهبردهای ضدفساد دولت نیز، ازجمله به «لایحه قانونی پیشگیری از تعارض منافع» که اخیرا در دولت تهیه و تصویب و آماده تقدیم به مجلس شده است، در تضاد آشکار است. تقدیم به مجلس دیگری از این‌نامه علت این اهمیت را برمی‌شمرد: «تعارض منافع در نظام اداری در حدی از اهمیت قرار دارد که برخی از عالمان اقتصاد سیاسی آن را عاملی منصرف‌برفرد در پیدایش فساد می‌شمارند... ممکن است گفته شود تعاونی‌های کارمندان و صندوق‌های بازنشستگی در مناقصه شرکت می‌کنند. اگر برنده شدند، چه اشکال دارد تهیه و فروش جنس یا خدمتی که دولت یا دستگانه مربوط می‌خواهد به عهده آنها باشد تا سود فروش نصب کارکنان فعلی یا قبلی همان دستگانه شود. پاسخ خیلی روشن است. کسانی که پاکت‌های پیشنهاد قیمت را باز می‌کنند، از اعضای همان دستگانه و در برنده‌شدن تعاونی و صندوق ذی‌نفع هستند. در مناقصات غیر از قیمت، شروط کیفی دیگری هم مطرح است که برگزارکننده مناقصه یا مجلس مسئولان ذی‌نفع باید شرکت برتر را مشخص کنند، چگونه رقابت برقرار می‌شود؟ در طول اجرای قرارداد ده‌ها بار الحاقیه مطرح می‌شود که شکل قرارداد و مبلغ آن را تغییر می‌دهد. پیشنهاددهنده تغییر و تصمیم‌گیرندگان نفع مشترک دارند.فرض کنید برنده مناقصه تعاونی یا صندوق بازنشستگی ذی‌ربط باشد. ناظر بر اجرای قرارداد هم کارمندان همان دستگانه هستند. چنانچه نظارتی می‌شود؟ حجم اعتبارات مربوط به تدارکات در بخش عمومی برای سال ۱۳۹۶ حدود ۴۲۰ هزار میلیارد تومان است. عقل سلیم می‌پذیرد که این مبلغ عظیم را که هم‌اکنون حیف‌ومیل در آن هست، یکجا در معرض فسادی قانونی‌شده قرار دهیم؟

ادامه از صفحه ۴

«نیازمند»، مدیریت از جنس منابع بود، نه هزینه بعد از این تصمیم، شاه ضرب‌الاجل شش‌ماهه‌ای برای راه‌اندازی خودروسازی مشخص کرد که او با سازندگان داخلی موفق به ساخت اتاق شد و بعد هم با مشاوره مناسب به برادران خیامی، زمینه رشد صنعت خودروسازی را فراهم کرد. نیازمند، هم با پیگیری و شهامت، پروژه‌ها و تصمیم‌های کارشناسی‌اش در راستای منافع ملی را اجرایی کرد و هم امتیاز به درباریان نداد.هرچند که نیازمند در تاریخ مدیریتی ایران نمونه‌ای کم‌نظیر بود، اما استعدادهای مدیریتی جدیدی در عرصه اداره کشور در سال‌های بعد از انقلاب ظهور و بروز یافتند که با وجود دشواری‌ها و بحران‌های ناشی از انقلاب و جنگ تحمیلی، توانستند صنعت کشور را از تلاطم دور نگه دارند. پاییز ۱۳۹۳ هنگامی که برای مصاحبه با آقای دکتر نیازمند به اتفاق مهندس صفایی‌فراهانی به منزل ایشان رفتم، گفت‌وگویی میان دو نسل از مدیران کشور شکل گرفت. در آن گفت‌وگو، نیازمند از یک سو تکران بود که سرنوشته پروژه‌هایی که راه‌اندازی کرده بود به کجا منتهی شده است و از سوی دیگر وقتی توضیحات صفایی‌فراهانی را در تداوم و تکمیل پروژه‌هایش شنید، بارقه‌ای از امید در چشمانش نشست. بارقه‌ای که در آخرین روزهای حیاتش نیز در وجودش نمایان بود؛ وقتی عکس‌ها و تصاویر شرکت مس سرچشمه را در بیمارستان دید، خشنود بود که بذرهایش به درختانی نوسمند تبدیل شده‌اند.امروز با توجه به شرایط ویژه اقتصادی کشور، به‌ویژه در زمینه تأمین منابع مالی، به افرادی شبیه نیازمند نیاز داریم تا مدیران منابع باشند، نه مدیران هزینه. به مدیرانی از این جنس باید مهربان باشیم. خوشبختانه در سال‌های پایانی عمر پربرتک نیازمند، وزرای صنایع و رؤسای سازمان گسترش و نوسازی به دیدار او رفتند و از تلاش‌های و زحمات او قدردانی کردند و برخی از مامهربانی‌های سال‌های دور را جبران کردند. امید که با بهبود فضای مدیریتی کشور، زمینه را برای حضور مدیرانی از جنس نیازمند فراهم کنیم.



احسان سلطانی

پژوهشگر اقتصادی

چرا انتقاد از اقتصاددانان نئولیبرال؟ این سؤالی است که از سوی هواداران متعصب این نحله اقتصادی بیان می‌شود. در این گفتار به‌اجمال به این موضوع پاسخ داده می‌شود که چرا از این گروه انتقاد نمی‌شود. حضور در عرصه سیاست و دولت مستلزم سعه صدر و پذیرش انتقادهاست. پس از روی‌کارآمدن دولت یازدهم، این گروه در چارچوب اتاق فکر اقتصادی دولت، در عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی دولت حضور گسترده‌ای پیدا کرده است، بنابراین هیچ جای تعجب ندارد که به نظر و عملکرد آنها ایراداتی وارد شود. هم‌اکنون انتقادهای از اقتصاددانان نئولیبرال در پنج حوزه اصلی متمرکز است. (۱) شناخت محدود از اقتصاد ایران، نظر به تکیه بیش از حد به داده‌ها و آمارهای دولتی، (۲) الگوبرداری‌گزینشی از تفکرات اقتصاد آزاد بدون در نظر داشتن اقتضات و شرایط خاص کشور، (۳) عدم اعتقاد و التزام به مبانی اقتصاد آزاد، نظر به استفاده ابزاری از آن، (۴) ارائه راهکارهای پرمخاطره و نامتناسب و (۵) توجیه کارکردهای پراشتابه دولتی و حفظ مناسبات رانتی و همچنین انحراف اذهان مسئولان و مردم از مشکلات و چالش‌های اصلی اقتصاد کشور.

(۱) **شناخت محدود و ناقص از اقتصاد ایران، نظر به تکیه بیش از حد به آمارهای دولتی** بعضی از اقتصاددانان نئولیبرال به عنوان فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی (و البته تحصیلات تکمیلی در رشته اقتصاد)، سخت از این غافل هستند که ساختار یک اقتصاد، ساختار یک سازه ساختمانی نیست که صرفاً مبتنی بر قواعد ریاضی، آن هم استاتیکی (ایستایی) است، نه دینامیکی (پویایی) باشد. برای درک و فهم اقتصاد ایران هم باید ریشه‌های تاریخی را کندوکاو کرد، هم باید نهادهای و عوامل اجتماعی و فرهنگی را شناخت، هم باید با فلسفه چیرهبی‌دانست و هم باید بر تجربیات و مشاهدات گسترده و عمیق میدانی تکیه کرد. اتکای صرف و سطحی بر اعداد و ارقام دولتی (و در بسیاری موارد دولت‌ساخته) ناقص که پر از دست‌کاری‌ها و تناقض‌هاست، به هیچ عنوان جوابگوی شناخت این اکوسیستم اقتصادی پیچیده، غیرشفاف و چندلایه نیست.

در یک اقتصاد رانتی، غیرشفاف، نامشکل، انحصاری، غیرکیفی و کمی‌کار، حتی در صورت صحت اطلاعات و داده‌ها، با توجه به تعدد لایه‌های اقتصادی پنهان، زیرزمینی و غیررسمی، اعداد و ارقام به تنهایی جوابگوی مطالعه و تجزیه و تحلیل وضعیت اقتصاد نیست، در همین حال مواردی مانند استفاده ابزاری از تعاریف (مانند محاسبه نرخ بی‌کاری)، تغییر زودهنگام سال پایه و ترکیب محاسبات (مانند تولید ناخالص ملی و نرخ تورم)، پنهان‌کاری‌های اطلاعاتی و توقف انتشار اطلاعات (مانند عدم انتشار حساب‌های ملی بانک مرکزی در سال ۱۳۹۴) برای تولید داده‌های سفارشی به صورت روزافزون سکه رایج دستگاهای آماری دولتی کشور شده است. قطعه هرگونه تجزیه و تحلیل سطحی که بر اساس صرف این داده‌ها خواهد انجام شود، نهنتها جامع و مانع نخواهد بود که در بسیاری موارد گمراه‌کننده

به هست. درهمین‌باره ملاحظه می‌شود که سیکل خود تقویت‌کننده «تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی پراشتابه (تأییدکننده سیاست‌ها و اقدامات دولتی) << سیاست‌ها و اقدامات دولتی >> تولید آمار نادرست (برای ارائه تصویر مطلوب) >> تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی پراشتابه» شکل می‌گیرد. در این سیکل مخرب معمولاً بر اساس اعداد کمی (و نه شاخص‌های کیفی) که در تهیه آنها نظرات سیاسی به شدت دخیل است و از سویی دارای دقت و کیفیت کافی نیستند، ارائه توصیه‌های سیاستی و تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی (از سوی اقتصاددانان معمولاً دولتی یا وابسته) در دفاع از وضعیت موجود و تداوم آن صورت می‌گیرد.

نقل قولی منتسب به بنیامین دیسرابیلی، نخست‌وزیر انگلستان، وجود دارد که «خلاف‌واقع بر سه نوع است: معمولی، سوگند غیرواقعی و آمار». او نهنتها آثار نادرست و دست‌کاری‌شده را زیر سؤال می‌برد که حتی آمار واقعی را هم به صورت مطلق و مقطعی قبول ندارد. در بسیاری موارد آمارها به گونه‌ای انتزاعی، تک‌بعدی، یک‌جانبه و قطعه‌ای (فاکتوئید) برای انحراف از واقعیت‌ها و مخفی‌کردن حقیقت استفاده می‌شود که به خصوص این موضوع در بین بعضی از اقتصاددانان ایرانی رواج دارد. مطالب ذکرشده به مفهوم عدم استفاده از داده‌ها و آمارها و کاربرد ریاچی در اقتصاد یا مردوددانسته همه بررسی‌ها و مطالعات اقتصادی مبتنی بر این

اقتصاد

نهادگرایان مطرح می‌کنند

۵ اشتباه اقتصاددانان نئولیبرال



آمار نیست، اما مهلک‌ترین معضلی که هر اقتصاددان می‌تواند به آن مبتلا شود، این است که از بدنه مردم جدا شود، از درک وضعیت اقتصادی عامه مردم و به خصوص طبقات فرودست جامعه غافل شود و به صرف آمار و ارقام دولتی تحلیل و راهکار ارائه کند. (۲) **الگوبرداری گزینشی از اقتصادهای آزاد توسعه‌یافته غربی بدون درنظرداشتن روندهای تاریخی و اقتضات و شرایط خاص اقتصاد ایران** اقتصاد ایران ترکیبی التقاطی است که نه مانند اقتصاد کمونیستی دولت در آن حاکم است و نه مانند اقتصاد بازار آزاد بخش خصوصی در آن غلبه دارد. اقتصاد ایران ترکیبی از اقتصادهای دولتی، شبه‌دولتی، عمومی و دست آخر یک بخش خصوصی (تضعیف‌شده و تحقیرشده) است که با توجه به رانتی-نفتی‌بودن آن همانندی در سطح جهان ندارد. در این اقتصاد اساساً و اصولاً بخش خصوصی موضوعیت ندارد که به تبع آن با رونوشته‌برداری دقیق و البته گزینشی از الگوهای اقتصادهای بازار برای مداوای مشکلات آن نسخه پیچیده شود.

اغلب معضلات اقتصاد ایران ناشی از اجرای الگوهای اقتصاد بازار و بیش از آن الگوبرداری‌های سطحی، گزینشی و مقطعی است. تفکرات‌ها و اقتصاددانان دولتی ۳۰ سال است که هر سال می‌گویند سال بعد همه چیز درست خواهد شد و در این میان همواره از پذیرش عواقب سیاست‌گذاری‌های خود استنکاف می‌کنند. نئولیبرال‌های ایرانی مروج و مدافع بانکداری خصوصی و پس از آن آزادسازی نرخ سود بانکی بودند، اما هم‌اکنون که این موضوع هم اقتصاد و هم نظام بانکی را تخریب کرده است، حاضر به قبول مسئولیت نیستند.

در اقتصادی که سهم نیروی کار در تولید ناخالص داخلی به‌شدت پایین است و این سهم نهنتها از اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، که از اقتصادهای کمترتوسعه‌یافته و منطقه نیز به‌مراتب کمتر است (به علت سهم بالای رانت منابع طبیعی، سرمایه و زمین، نهنتها بخش خصوصی که مردم نیز در اقتصاد حضور جدی ندارند. در اقتصادی که هنوز به مرحله صنعتی‌شدن نرسیده و در قرن بیست‌ویکم رانت زمین و منابع طبیعی حرف اول را می‌زند، در واقع از نظر مرحله رشد اقتصادی به دو قرن پیش (دوران ریکاردو) پسرقت کرده است. با وجود این، مشخص نیست که در این اقتصاد چگونه قواعد مکتاتب اقتصادی مدرن غربی مانند مکتب شیکاگو می‌تواند پیاده شود. اقتصاد ایران، اقتصادی رفاقی است که در آن مزیت‌های رقابتی غایب و مزیت‌های رانتی غالب هستند. نئولیبرال‌های ایرانی هر زمانی که لازم بداندند، چنان بر رونوشته‌برداری دقیق از اقتصاد بازار اصرار دارند که گویی در وال‌استریت نسته و در زمینه اقتصاد توسعه‌یافته آمریکا حکم صادر می‌کنند. این طیف از اقتصاددانان حسب موضوع از نجریت تا نروژ برای اقتصاد ایران مثال و نسخه می‌آوردند، بدون آنکه اقتضات مکانی و زمانی و تفاوت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نژادی و موضوعات دیگر را مورد ملاحظه قرار دهند. (۳) **عدم اعتقاد و التزام به مبانی اقتصاد آزاد، ضمن استفاده ابزاری از آن**

نئولیبرال‌های ایرانی در تبیین و دفاع از موضوعات مهم و کلیدی اقتصاد بازار مانند شفافیت، مبارزه با فساد، رقابت عادلانه، مبارزه با انحصار و حق مالکیت بسیار ضعیف عمل کرده‌اند. موضوع مهمی که در نحوه اجرای سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال در ایران وجود دارد، استفاده ابزاری از محمل حمایت از «بخش خصوصی و بازار آزاد» برای ترویج و دفاع از رانت‌جویی، توزیع نابرابر فرصت‌ها و منابع، ایجاد انحصارها، غیرمردمی‌کردن اقتصاد و اضمحلال بخش خصوصی واقعی است. سیاست‌های مبتنی بر اقتصاد نئولیبرال در اقتصاد با همه دولت‌های پنجم تاکنون تعقیب شده است، ضمن آنکه منجر

است. این بیمار با ازکارافتادگی نظام تأمین مالی دچار تصلب شرایین شده و گردش خونی (نقدینگی) به‌سختی در بدن انجام می‌شود. در همین شرایط مهم‌ترین بیماری‌های اقتصاد ایران (۱) عفونی‌شدن (فساد) بخش‌هایی از بدنه آن است که متأسفانه به خون (نظام تأمین مالی) هم سرایت کرده و از سوی دیگر (۲) قند خون بالا (رانت) است که مانع از درمان عفونت‌ها می‌شود. فساد با رانت عجین است و هر یک دیگری را تقویت و تشدید می‌کند. اقتصاد بیمار ایران اگر نخواهد بهبود پیدا کند، در اولین قدم نیازمند مبارزه با رانت‌ها و فساد است. هم‌اکنون عفونت‌ها به استخوان رسیده و دیگر تعویض با پانسمان و تجویز مسکن کارساز نیست. تنها راه نجات، مبارزه فراگیر و همه‌جانبه با رانت‌ها و فساد است و هرگونه درمانی در غیاب کنترل و کاهش رانت و فساد، فقط به وخیم‌ترشدن وضعیت بیمار می‌انجامد.

البته در موارد زیادی این اقتصاددانان در نقش منتقد دولت حاضر می‌شوند و آن زمانی است که دستور دارند از اشخاص منتخب برای ورود به دولت یا حضور آنها حمایت کنند. دستیار ویژه اقتصادی رئیس‌جمهور با ارائه عناوین اقتصادی مانند «بیماری رشد اقتصادی پایین»، «توجه نرخ بالای بی‌کاری و ادعای پنجمین رتبه جهانی در تولید اشتغال» یا «برچالش‌های اقتصادی ایران»، ضمن توجیه وضعیت نامناسب کنونی اقتصاد کشور سعی در دیگرگونه نشان دادن واقعیت‌ها کاهش سطح مسئولیت‌پذیری دولت و تقلیل مطالبات و چالش‌های اقتصادی به موضوعات کمتر کلیدی دارد. او شش ایرچالش کشور را بوده‌جه، صندوق‌های بازنشستگی، بی‌کاری، نظام بانکی، محیط زیست و منابع آبی عنوان می‌کند. چالش صندوق‌های بازنشستگی در ذیل چالش بی‌کاری و چالش محیط زیست ذیل چالشش منابع آبی قرار می‌گیرد. هم‌راه بحران نظام بانکی که خود رازیده اجرای سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال است، بیشتر یک چالش مقطعی است تا یک ایرچالش. بوده‌جه که بیشتر چالشش نظام اجرایی است، تحت عنوان ایرچالش معرفی می‌شود، اما به بنگاه‌داری گسترده دستگانه‌های دولتی به‌جای ایفای وظایف حکمرانی اعتباری نمی‌شود.

در اینجا ملاحظه می‌شود که موضوعات بسیار کلیدی و اساسی مانند (۱) رانت، (۲) فساد، (۳) اقتصاد نامولد، (۴) نواوری و (۵) نابرابری‌های طبقاتی اصلاً مطرح نمی‌شوند. ماریچ سه‌گانه رانت- فساد- نابرابری خود در صدر چالش‌های عنوان‌شده ازسوی دستیار رئیس‌جمهور قرار می‌گیرد که بزرگ‌ترین چالش، تهدید و مخاطره آتی ملی، سرزمینی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی نیز به‌شمار می‌رود. رانت و فساد

منابع کشور را به تحلیل می‌برند و سرمایه‌های حال (بودجه دولت و سرمایه‌گذاری) و آینده (صندوق‌های بازنشستگی) را ضایع و نابود می‌کنند و از سوی دیگر با ترویج و گسترش اقتصاد نامولد و توزیع ناعادلانه فرصت‌های رشد، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را تشدید می‌کنند که در ذات خود عامل بی‌کاری است. نظام اقتصادی رانتی عین‌شده‌با فساد که در هیچ‌جا نهنتها به آن پرداخته نمی‌شود که بر تقویت آن نیز تأکید می‌شود، خود عامل بنیادی و اصلی در سر راه اشتغال مفید و مولد و خلاقیت و نواوری است. یکی از مسئولان خود در بنگاه اقتصادی دولتی

ایمیدرو، با ذکر این نکته که قدرت خرید مردم کاهش یافته، بر افزایش صادرات صنعتی تکیه می‌کند. آیا او نمی‌داند که صادرات صنعتی یعنی صادرات مواد خام و اولیه با رانت گسترده منابع، انرژی و سرمایه ازسوی بنگاه‌های بزرگ دولتی و شبه‌دولتی، خود یکی از عوامل رکود و به‌تبع آن کاهش قدرت خرید مردم به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر ملاحظه می‌شود که هرچند او دغدغه دولت و بنگاه‌های رانتی شبه‌دولتی را دارد، اما به‌هیچ‌عنوان ملاحظه زندگی و معیشت مردم و بخش خصوصی را ندارد. مشکل بزرگ اقتصاددانان وابسته به دولت‌ها این است که خواسته یا ناخواسته از واقعیت‌ها و اقتصاد ایران فاصله گرفته و به‌تدریج در نقش مدافع و توجیه‌کننده وضعیت موجود و از سوی دیگر تأمین‌کننده منافع بنگاه‌های رانتی وابسته به دولت آن ظاهر می‌شوند.

در پایان، از اقتصاددانان نئولیبرال دعوت می‌شود که در جهت بازشدن فضای موجود، به‌جای پنهان‌شدن در گردوغبار حاصل از فضای آلوده و سخیف تخریب شخصیتی، با شجاعت در مناظره‌های اقتصادی شرکت کنند و جوابگوی سیاست‌گذاری‌ها و راه‌حل‌های خود و هزینه‌های آن برای حال و آینده ایران و اقتصاد آن باشند. متقدان در مقام بحث، ضمن تکیه بر علم و ادبیات خاص اقتصاد، به زبان ساده و قابل درک و به‌دولت‌های تحلیل‌رفته، توان حرکت و تغییر را از دست داده

ادامه از صفحه ۴

معضل بورس فقط کنترت‌سازی و بسته‌بودن چند نماد نیست!

از سوی دیگر اجازه رشد بهای محصول (زغال‌سنگ) را نیز به این شرکت زیرمجموعه بورسی‌شده خود نمی‌دهد، چون خریدار اصلی محصول است، با این کار در واقع سود را به شرکت اصلی و مادر منتقل می‌کند، یعنی بهای تمام‌شده شرکت مادر یا زیرمجموعه غریب‌ورسی داخل در زنجیره تولید، کاهش یافته و حاشیه سود آنها افزایش می‌یابد. این معضل در رابطه شرکت‌های زیرمجموعه خودرویی‌ها و سایر موارد مشابه دیگر نیز وجود دارد. حساب سود شرکت‌های اصلی مطلوب است، اما حساب اجرای بورسی‌شده ضعیف است، چرا این نوع عملیات غیراخلاقی در بورس مراقبت نمی‌شود؟! این یکی از معضلات بازار بورس است که مغفول مانده است. بعضی از مسئولان بازار این وضعیت را به نظام عرضه و تقاضا نسبت می‌دهند، درحالی‌که این بازار شاور مدیریت شده است، اصطلاحاً نوعی الگابیلی است و خب می‌داند که در بازار مدیریت‌شده، کار در بورس نباید باخت-برد باشد و برای کاخ‌نشینی بعضی، عده‌ای کوخ‌نشین نشوند. بلکه هر کس وارد شود، اگر نگاه شش ماه تا یک سال و ذهنی فارغ از نوسانات مقطعی داشته باشد، حداقل سود معادل بانک را که سودی بدون دغدغه است، بتواند به دغدغه دریافت کند! نه آنکه در بازار مدیریت‌شده، ما دست خالی و مال‌باخته شود. با کمال تعجب بورس اطلاعیه آنها را درج می‌کند و به مردم می‌گوید ای کسانی که مثلاً حق تقدم خادین را خریدید، مالتان را حراج کردیم، اما نه مثل چند ماه پیش که ۴۰ تا ۳۵ تومان اجازه بازگشایی و فروش انبوه داده بودیم و به شما فروختم، بلکه به بهای یک ریال فروش رفته است و نهنتها چیزی برای شما نمانده، بلکه باید مبلغی نیز بابت حق‌العمل کاری پرداخت کنید! مال‌باختگان شکایت می‌کنند، اما دادرسی ندارند و از طریق سیستم اتوماسیون به جاهایی حواله می‌شوند که از نظر منطقی وجه دور باطل می‌یابد. نباید داور خود بازنگر باشد یا در موضع ذی‌نفع و یک طرف دعوی قرار گیرد؛ یکی از معضلات بورس نیز همین نکته است. اقتصاد سیاسی بورس و مسائل پشت پرده و ارتباطات سهام‌داران عمدتاً با بازیگران بورس باید و نگاه وزارت اقتصاد دور نماند. چرا ناظر نقش مؤثر خویش را بازی نمی‌کند؟ کمیسوین اقتصاد کشور شورای اسلامی نیز دیده‌بان سلامت اقتصاد کلان است و باید تا سر حد استیضاح نیز حساب‌کشی و حقوق مردم را در بازار سرمایه پاسداری کند و کمیسوین اصل ۹۰ مجلس جلوی دادرسی مبهم و دور باطل را بگیرد. بدیهی است که قوه‌قضائیه از طریق جراع به کارشناسان فنی خود می‌تواند به تعقبات لازم بپردازد. در این زمینه حوزه حقوقی بورس باید بیش از همه فعال باشد و مردم را در دادرسی یاری دهد و حقوق ازدست‌رفته آنها را باز ستاند. از دیگر معضلات بورس آن است که مال‌باختگان باید مالیات نیز بپردازند! قوانین بورس باید به‌گونه‌ای باشد تا مالیات در شرایطی شامل شود که سهام‌داران جزء با ارزش‌افزوده آن هم بیش از نظام بانکی مواجه باشند، نه آنکه در شرایط زیان، عدم سود (سربه‌سر) یا سود کمتر از نظام بانکی و بدون مخاطره، مالیات را پرداخت کنند؛ این با عدالت سازگار نیست. هر چه با عدالت سازگار نباشد با روح اسلام نیز سازگار نیست. رشد شاخص بورس با پرداخت چه هزینه‌ای و از طریق چه روشی روی داده است؟ در اسلام هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. بگذریم از اینکه از نظر فنی رشد شاخص زیر سؤال است و این رشد، به قیمت‌های جاری روی داده است، نه با ارزش‌های ثابت!اگر به ترفندهای بورسی و کارهای نامشال توجه نشود و ناظر بورس بی‌تفاوت نسبت به مال‌باختگان باشد، دیری نخواهد پایید که بحرانی شبیه به آنچه در نظام بانکی اخیراً تجربه کرده‌ایم را اینجا نیز مشاهده کنیم و شاهد فوران مطالبات مردم باشیم. از مدیریت بورس دعوت می‌شود به سیستم شکایات مردم رجوع و تعداد پاسخ‌های بگانه و طبق روال همکاران خود را ملاحظه کند تا عمق مسئله عدم دادرسی را دریابد. این نیز یکی دیگر از معضلات بورس است، هرگاه چند جزء از اقتصاد کلان دچار بحرانی بی‌دریی بشوند، احتمال تعمیم و سرایت به سایر حوزه‌های مالی طبیعی خواهد بود و چنانچه با هم‌زمانی دیگر معضلات اقتصادی مانند بی‌کاری، تورم و ... پیوند یابد، مشکلاتی غیرقابل باور محتمل می‌شود. «سر چشمه شاید گرفتن به بیل/ چو بر شد، نشاید گرفتن به پیل».

خبر ویژه

مدیر روابط عمومی گروه خودروسازی سایپا منصوب شد

● مدیرعامل گروه خودروسازی سایپا در حکمی، محمدرضا حقیقی را به سمت مدیر روابطعمومی گروه خودروسازی سایپا منصوب کرد. براساس حکم صادره از سوی مهندس محسن جهودی، مدیرعامل گروه خودروسازی سایپا، محمدرضا حقیقی به سمت مدیر روابطعمومی سایپا منصوب شد. گفتنی است محمدرضا حقیقی درحال‌حاضر استاد دانشگاه و مدرس حوزه ارتباطات و صاحب ۱۷ جلد تألیف و ترجمه در حوزه روابطعمومی و ارتباطات است. شایان ذکر است در جلسه معرفی مدیر جدید روابطعمومی و تودیع مدیر سابق ارتباطات، از حمایت‌های میرزایی، مدیر پیشین ارتباطات گروه خودروسازی سایپا، قدردانی شد.